

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶، تابستان ۱۳۹۴

تأثیر اصلاحات غازان بر وضعیت کشاورزی قلمرو ایلخانی

محسن رحمتی^۱
وحید فلاحي^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۷

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۰/۱۵

چکیده

اوضاع اقتصادی ایران به ویژه کشاورزی از ایلغار مغول به شدت آسیب دید. غازان خان در طول حکومت نسبتاً کوتاه خود، با انجام دادن اصلاحاتی، درصدد ترمیم و جبران آسیب‌های واردشده بر اوضاع اقتصادی قلمرو ایلخانی برآمد؛ اما با توجه به مرگ زودهنگام غازان، این تردید وجود دارد که تأثیر این اصلاحات بر اوضاع کشاورزی در قلمرو ایلخانی پای‌دار بوده باشد. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی درصددیم تا تأثیر اصلاحات غازانی را بر بهبود وضعیت کشاورزی و کشاورزان در قلمرو ایلخانی بررسی کنیم.

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان؛ mohsenrahmati45@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه لرستان؛ vaheed.fallahi@gmail.com

اگرچه بعد از درگذشت غازان خان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، روند اصلاحات گسسته شد و تداوم نیافت و دوباره عوامل مخرب بر زندگی کشاورزان مسلط شد، کشاورزی زیاد تحت تأثیر این اوضاع قرار نگرفت و همچنان روند رو به رشد خود را حفظ کرد.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی، کشاورزان، اوضاع اقتصادی، اصلاحات، ایلخانان، غازان‌خان.

۱. مقدمه

اصلاحات غازانی نقطه عطفی در تاریخ حکومت ایلخانی است که طی آن، اقدامات مهم و اساسی برای جبران نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قلمرو ایلخانی انجام شد و در نتیجه آن اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عهد ایلخانان متحول شد. با توجه به نقش مهم و بنیادین کشاورزی در اقتصاد ایران، بدیهی است که در این اصلاحات به کشاورزی نیز توجهی ویژه شده و اقدامات مهمی برای بهبود آن صورت گرفته باشد. البته، روند ترمیم ویرانی‌ها و اصلاح نابسامانی‌ها از زمان اوگتای‌قاآن (حکومت ۶۲۴-۶۳۹ق) و با مأموریت امیر عزالدین هروی برای بازسازی شهر هرات در ۶۳۴ق آغاز شده بود (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۳). در پی آن، با استقرار حکومت ایلخانی، اقدامات عمرانی دیگری برای بهبود اوضاع صورت گرفت؛^۱ اما به‌رغم چنین فعالیت‌هایی، در آستانه

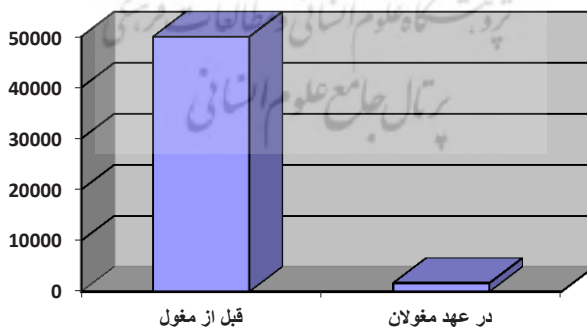
۱. از آن جمله می‌توان به توصیه‌های منگو‌قاآن (حکومت ۶۴۹-۶۵۷ق) به هولاکو مبنی بر آباد کردن ویرانی‌ها در ایران (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۶۸۷)، ساختن عمارات، باغ‌ها و ایجاد آبادانی در توس توسط ارغون‌آقا (حکومت ۶۴۱-۶۵۴ق) (همان، ۶۹۲)، عمارت‌سازی هولاکو در اورمیه و مراغه (همان، ۷۱۶) بازسازی قوچان و احیای آن شهر به‌دست هولاکو (همان، ۶۹۳) که در نتیجه چنین اقداماتی، علاقه به آبادانی و عمارت به‌عنوان یکی از صفات ثانویه و علامات‌میزه هولاکو نزد مورخان در آمده بود (همان، ۷۳۴). همچنین از زراعت دوستی آباقاخان و اقدامات عمرانی وی در اطراف سجاس‌خبر داده‌اند (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۷؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۴). علاوه‌بر این اعضای خاندان جوینی به‌ویژه عطاملک جوینی در راستای ترمیم ویرانی‌ها، به‌ویژه در بین‌النهرین به اقدامات عمرانی مختلفی دست‌یازیدند (نک: جوینی، ۱۳۷۵: ۱/۲۹ مقدمه مصحح؛ رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۴۴-۲۴۵؛ غفرانی، ۱۳۸۳: ۱۷۱). همچنین از رشد و رونق

به قدرت رسیدن غازان هنوز کشاورزی رونقی نداشت و خزانه ایلخانان که بیش از هر چیز بر خراج و درآمدهای حاصل از اراضی زراعی متکی بود، تهی شده و غازان خان را در نیل به اهدافش ناتوان کرده بود (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۲۶). با توجه به ناکامی اسلاف غازان و کوتاه بودن مدت حکومت غازان پس از انجام اصلاحات، این پرسش‌ها به ذهن می‌رسد: آیا میزان موفقیت این اصلاحات با تلاش‌های ایلخانان قبلی متفاوت بوده است؟ آیا این اصلاحات و اقدامات توانست تأثیری پای‌دار در اوضاع کشاورزی قلمرو ایلخانی فراهم آورد؟ بنابراین، رسالت مقاله حاضر یافتن پاسخی روشن به این پرسش است: اصلاحات غازان چه تأثیری بر اوضاع کشاورزی در دوره ایلخانی داشت؟ یا به عبارت بهتر، میزان توفیق اصلاحات غازانی در بهبود اوضاع کشاورزی در قلمرو ایلخانان چگونه بود؟

تاکنون تحقیقات متعدد و مفصلی در باب تاریخ ایلخانان و اصلاحات غازان صورت گرفته؛ اما اکثر این پژوهش‌ها معطوف به توصیف شرایط اجتماعی و اقتصادی قلمرو ایلخانی و ضرورت و نحوه انجام اصلاحات بوده و کمتر به میزان توفیق این اصلاحات پرداخته شده است (اشپولر، ۱۳۷۲: ۳۱۶-۳۲۰؛ پطروشفسکی، ۱۳۷۱: ۴۶۷-۴۷۸؛ اقبال، ۱۳۶۵: ۵۴۶-۵۴۷؛ لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ بهرامی، ۱۳۳۰: ۴۸-۵۴). دیگر اثر معروف پطروشفسکی (۱۳۵۷) نیز بیشتر معطوف به مسائل کلی همچون انواع مالکیت و تطور مناسبات ارضی در طول دوره ایلخانی است و مجالی برای پرداختن به چنین مسئله جزئی را نداشته است. غفرانی (۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۶) نقش خواجه رشیدالدین فضل‌الله را در این اصلاحات و فریدون اللهیاری (۱۳۸۳: ۴۰-۵۰) تأثیر اصلاحات را بر حیات شهری ایران در دوره ایلخانی بررسی کرده‌اند؛ اما با توجه به آنکه اصلاحات غازانی سرآغاز یک دگرگونی در اوضاع کشاورزی ایران در عهد ایلخانان در نظر گرفته می‌شود، باز کاوی و تبیین تأثیر این اصلاحات بر کشاورزی نیز ضرورت می‌یابد.

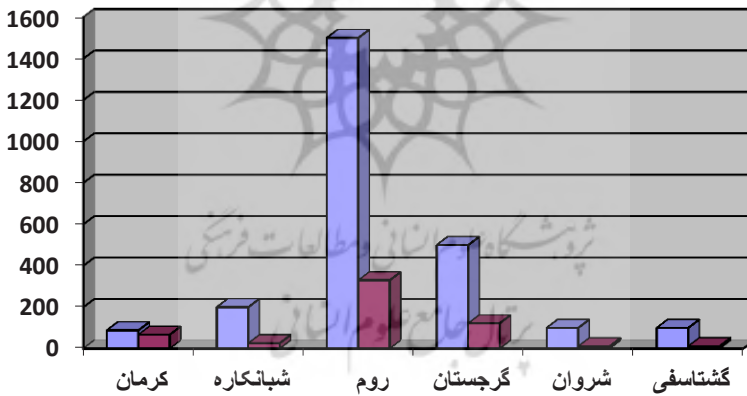
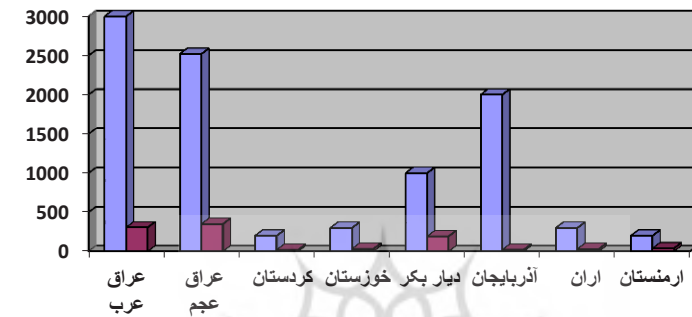
۲. اوضاع کشاورزی در آستانه حاکمیت غازان

در قرون میانه، اساس اقتصاد ایران بر کشاورزی متکی بود؛ اما در دوره ایلخانی تا قبل از روی کار آمدن غازان خان (حکومت ۶۹۴-۷۰۳ق)، تحت تأثیر عوامل چندی نظیر کشتارهای اولیه، تاخت و تاز ننگودریان، ظلم و اجحاف مأموران حکومتی و بی‌نظمی در اخذ مالیات به شدت آسیب دید و از رونق افتاد. از وضعیت کشاورزی و میزان محصولات به دست آمده در دوره ایلخانی، داده‌های آماری کافی در دست نداریم؛ فقط حمدالله مستوفی در شرح مالیات قلمرو ایلخانی، ضمن قیاس این مالیات با ادوار سلف، مالیات این منطقه را در عهد سلجوقیان حدود ۵۰ هزار تومان برمی‌شمارد که در آستانه حاکمیت غازان به ۱۷۰۰ تومان رسیده بود (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۷). این آمار یک کاهش سرسام‌آور بیش از ۹۶/۵ درصدی را نشان می‌دهد که علاوه بر تصدیق روایات مورخان، عمق فاجعه را نیز می‌نمایاند. و صاف نیز در شرح میزان محصولات ولایت کربال در فارس اظهار می‌کند که میزان محصولات آن ولایت که در عهد آل بویه ۷۰ هزار خروار و در نیمه اول قرن هفتم یعنی در زمان حاکمیت اتابکان فارس، ۳۰۰ هزار خروار غله بوده، در اوایل عهد غازان به ۴۲ هزار خروار رسیده بود (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۴۵). این روایت حاکی از آن است که میزان محصولات آن منطقه نسبت به عهد بویه‌پیمان بیش از ۹۴ درصد و نسبت به عهد اتابکان بیش از ۸۶ درصد کاهش داشته است.



مقایسه آماری میان میزان مالیات ایالات مختلف در عهد مغول با دوران پیش از آن براساس روایت مستوفی، حاکی از این است که همه ایالات قلمرو ایلخانی بین ۸۰ تا ۹۱ درصد کاهش

مالیات داشته‌اند و با توجه به آنکه اساس و زیربنای مالیات در ایران را در قرون گذشته خراج ارضی تشکیل می‌داده، می‌توان این امر را به معنای افت کشاورزی دانست. مطابق این آمار، حتی در ایالاتی همچون آناتولی (روم)، شروان، کرمان و گرجستان که با وجود حکمرانان بومی - محلی از سلطه مستقیم ایلخانان خارج بودند، نیز چنین کاهشی دیده می‌شود.



۳. روند اصلاحات در امور کشاورزی

رشیدالدین خود با برشمردن تلاش‌های ایلخانان قبلی برای بهبود اوضاع کشاورزی، درباره ناکامی آن‌ها و دلایل دست نیافتن به مقصودشان می‌گوید:

پیش از این پادشاهان مغول [...] هوس عمارات داشته‌اند و در آن شروع کرده، لیکن کمتر به اتمام رسانیده، چنان‌که مشاهده رفته و هر کجا بنیادی نهادند، مبالغ

اموال بر آن صرف شد و از ولایات وجوه تا بقور و چارپای و آلات و مزدور می آوردند و خلاق را زحمات می رسید و اکثر تلف می شدند و کسانی که بر سر آن بودند، اللیله جبلی می گفتند و مال از میانه می رفت و زیادت عمارتی میسر نمی شد و آن نیز که کردند، بر بنیاد نبود و به اندک زمانی خراب گشت (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۹۹۳).

ولی غازان خان در آغاز حکومت خود، روند اصلاح طلبانه درپیش گرفت و دیگر ارکان و صنایع کشور نیز با وی همراه بودند؛ چنان که امیر نوروز در سال ۶۹۰ قق نگویدریان را از هرات راند و به فرمان غازان اهالی هرات را از نقاط مجاور دوباره جمع آوری کرد، به هرات بازگرداند و آن ها را به کشاورزی مشغول کرد (سیفی هروی، ۱۳۸۷: ۴۰۹-۴۱۰).

۴. محورهای اصلاحات

نخستین پرسش درباره اصلاحات غازان در زمینه کشاورزی، معطوف به میزان و محدوده این اصلاحات است. توجه به برخی شواهد نشان می دهد نتایج این اصلاحات و تأثیرات آن را در دو محور می توان بررسی کرد.

۴-۱. رفع موانع و زمینه سازی

به نظر می رسد غازان و درباریاننش علت اصلی ناکامی فعالیت های اصلاح گرانه ایلخانان قبلی را نخست در تفاوت فرهنگی و سپس تفاوت معیشتی و اقتصادی میان مغولان و توده ایرانی جامعه می دانند. بنابراین، غازان اقدامات خود را به ترتیب برای رفع این موانع به کار گرفت تا با رفع این عوامل و زمینه سازی مناسب، راه تداوم روند اصلاحات را هموار کند.

۴-۱-۱. رفع اختلافات فرهنگی

از فحوای کلام خواجه رشید مبنی بر اینکه قبل از غازان «به عدد جماعتی که این زمان عمارت می کنند، خرابی می کردند» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۹۹۴) برمی آید که غازان علت اصلی ناکامی تلاش ایلخانان قبلی را وجود اختلاف فرهنگی می دانست و می کوشید تا

زمینه‌ای را فراهم کند که تلاش برای ترمیم ویرانی‌ها به یک خواسته عمومی مبدل شود. نخستین قدم برای رفع این مانع، پذیرش اسلام و محدودیت مذاهب غیرتوحیدی در قلمرو ایلخانی بود که غازان خان در ابتدای سلطنت خود در شعبان ۶۹۴ به آن پرداخت (همان، ۹۰۰-۹۰۴) و در نتیجه آن، وحدت فرهنگی میان حاکم و توده ایجاد شد.

۴-۱-۲. رفع اختلاف معیشتی و اقتصادی

علت دیگر ناکامی اصلاحات قبلی را هم می‌توان وجود اختلافات معیشتی میان ایلات حاکم مغول با توده یک‌جانشین ایرانی و همچنین وجود مخالفانی که از اصلاحات متضرر می‌شدند، دانست و این گروه نیز جز اشراف مغولی و کارگزاران درباری نبودند؛ بنابراین غازان خان در قدم بعدی، تصمیم به رفع این اختلاف گرفت. با توجه به غلبه اقتصاد شبانی در میان مغولان و عنایت به اینکه غازان بیش از هرچیز، خان این مغولان بود و اقتدار سیاسی‌اش بیش از هرچیز مدیون این مغولان بود، می‌توان تصور کرد که انجام هرگونه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بدون جلب رضایت مغولان امکان‌پذیر نبود. بنابراین، در جمع فرمان‌دهان مغولی سخن‌رانی کرد و با شیوه‌ای همدلانه این‌گونه استدلال کرد:

من جانب رعیت تازیک نمی‌دارم اگر مصلحت است تا همه را غارت کنیم. بر این کار، از من قادرتر کسی نیست. باتفاق بغارتیم، لیکن اگر من بعد تغار و آش توقع دارید و التماس نمایید، با شما خطاب عنیف کنیم و باید که شما اندیشه کنید که چون بر رعایا زیادت‌ی کنید و گاو و تخم ایشان و غله‌ها بخورانید، من بعد چه خواهید کرد؟ (همان، ۱۰۴۴؛ قس. هروی، ۱۳۴۶: ۲۵).

او در ادامه برای تحکیم استدلال خود و اقناع مغولان برای عدم تعرض به کشاورزان می‌گوید: «باید رعیت ایل از یاغی پیدا باشد و فرق آن است که رعایای ایل از ما ایمن باشند و یاغی نایمن، چگونه شاید که ایل را ایمن نداریم و از ما در عذاب و زحمت باشند» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۴۵). با این استدلال، او به ایلات مغول هم اطمینان داد که اصلاحات وی نه برای طرف‌داری از ایرانیان، بلکه نوعی حمایت از تداوم حاکمیت مغولان است که فقط از طریق حفظ کشاورزی و کشاورزان و سپس اخذ مالیات از آن‌ها

امکان‌پذیر است. در عین حال، به حالتی تهدیدگونه نیز به آن‌ها گوش‌زد کرد که غارت کشاورزان به معنای نابودی کشاورزی و نتیجه آن تهی شدن خزانه است. ظاهراً این نحوه استدلال و سخن‌غازان تأثیرگذار بود و بیشتر رؤسای ایلات مغولی بر این اصلاحات گردن نهادند و تا پایان حکومت وی نیز مطیع ماندند. اما به تصریح رشیدالدین، غازان خود می‌دانست و بیمناک بود که مبادا این اصلاحات موقتی باشد و مدتی بعد به فراموشی سپرده شود (همان، ۱۰۳۹)؛ بنابراین برای پیش‌گیری از این امر کوشید تا از دو راه به تعمیق اصلاحات خود بپردازد: ۱. با تعیین حدود ییلاق و قشلاق سعی کرد با مهار لگام گسیختگی ایلات مغول، آن‌ها را از تعرض به مزارع روستاییان بازدارد؛ بنابراین برای هریک از ایلات محل قشلاق و ییلاق خاص معین کرد و از آن‌ها التزام گرفت که من بعد مطلقاً به رعایای سر راه خود دست‌درازی نکنند. این قضیه چنان عرصه را بر آن‌ها تنگ کرد که برخی از آن‌ها متواری و به ننگودریان در شرق قلمرو ایلخانی ملحق شدند (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۴۵۴) و بقیه این قضیه را پذیرفتند. ۲. به منظور اسکان این ایلات کوشید. از آنجا که مهم‌ترین مانع برای تداوم اصلاحات، پای‌بندی مغولان به اقتصاد شبانی بود، غازان‌خان کوشید تا مغولان را به زندگی یک‌جانشینی و کشاورزی سوق دهد. او در یکی از فرمان‌های خود، به لگام‌گسیختگی برخی سران مغول اشاره و تصریح می‌کند که با اصلاحات وی دست آن‌ها کوتاه شده:

و از آن حرام‌خوارگی بی‌بهره شوند، ایشان را ضروری باشد که از پی رزقی حلال مانند تجارت و زراعت و گلکاری و انواع عمارات بروند و آن عادات و تصرفات و حرکات مذموم را فراموش کنند و دنیا را از نو، رسمی و آیینی پدیدآید (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۳۷).

اعطای مالکیت زمین‌های بایر به آبادکننده آن نیز راه‌کاری موفق بود که می‌توانست مغولان را به استقرار در یک منطقه تشویق کند (همان، ۱۱۰۶). به علاوه، یرلیغی که غازان در سال ۷۰۳ق جهت واگذاری اراضی اقطاعی به لشکریان مغول صادر کرد، در احیای اراضی کشاورزی و به‌ویژه جلوگیری از ویرانی آن‌ها نقش مهمی داشت؛ چنان‌که رشید

الدین فضل‌الله از علاقه لشکریان مغول به زراعت در این اراضی سخن گفته است (همان، ۱۰۶۹). ظاهراً مساعی غازان به‌بار نشست و جمعی از ایلات مغول را به زندگی یک‌جانشینی سوق داد؛ چنان‌که در اواخر عهد ایلخانی تعداد بی‌شماری از این ایلات در نواحی اطراف میانه، زنجان و سجاس ساکن شدند و به کشاورزی پرداختند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۴ و ۶۶). رشیدالدین نیز از عامل خراج خوزستان خواست که صحرانشینان لر، کرد و عرب را در ناحیه هویزه ساکن کند و آن‌ها را به کاشت نخل و سایر درختان مشغول گرداند (رشیدالدین، ۱۳۶۴: ۱۷۵-۱۸۳). براساس گفته‌های قطبی اهری می‌توان چنین استدلال کرد که تداوم روند اصلاحاتی غازان اثرگذار بود و جمعی را به‌سوی زندگی تمدنی و ادامه راه غازان جلب کرد؛ حکومت جلایری را نماینده این گروه می‌توان در نظر گرفت. در مقابل، بخشی دیگر از مغولان بر تداوم اقتصاد شبانی و تعرض به املاک یک‌جانشینان اصرار داشتند که برحسب روایت وی، خاندان چوپانی نماینده این گروه است (قطبی اهری، ۱۳۷۳: ۱۸۱-۱۸۲). اگر در نظر بگیریم که فوج خاصه ایلخانی موسوم به تومان قراونه ییلاقشان را در منطقه سیاه‌کوه در اطراف زنجان و قشلاقشان را در حوالی بغداد می‌گذراندند (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۷۸۹ / ۲) و توجه به اینکه مغولان بغداد به سرکردگی آل‌جلایر، حامی کشاورزی و آبادانی بودند و همچنین مغولان یک‌جانشین در اطراف زنجان بودند، شاید بتوان تصور کرد که بیشترین تأثیر اصلاحات غازانی در بین گروه قراونه و فوج خاصه ایلخانی بوده باشد. به هر حال، کشمکش بین این دو گروه به زوال ایلخانان منجر شد و بعد از آن نیز به تقابل و مبارزه آن دو انجامید که در نهایت، جلایریان موفق شدند با شکست دادن چوپانیان، پیروزی مغولان متمدن را مسجل کرده، تداوم آبادانی و کشاورزی را تضمین کنند. از برخی اسناد عهد جلایری استنباط می‌شود که در زمان غلبه چوپانیان بر آذربایجان، برخی نابسامانی‌ها ایجاد شده بود که شاهان جلایری را مجبور کرد تا پس از غلبه بر آن ایالت، اصلاحاتی انجام دهند که در واقع احیای فرمان‌های فراموش‌شده غازان بود؛ به این معنا که آن‌ها کوشیدند تا دوباره جامعه را بر مدار و محور اصلاحات و فرمان‌های غازان قرار دهند (نخجوانی،

۱۹۶۴: ۲۰۶-۲۰۷، ۲۱۹-۳۱۱، ۲۲۱-۳۱۶، ۳۳۸-۳۳۹ و ۳۷۳؛ هرمان، ۱۳۷۹: ۱۱۵-۱۲۲؛
Herrmann, 2004: 173-175 & 178-181.

۴-۱-۳. رفع اجحافات اداری و مالیاتی

چنان که گفته شد، بدرفتاری کارگزاران حکومتی و شیوه نامطلوب مالیاتی نیز از عوامل مؤثر بر کشاورزی بود. تا قبل از حاکمیت غازان، حکام نیز با سایر کارگزاران دولتی در ولایات هم‌دست می‌شدند و با اخذ مالیات‌های گوناگون، مردم را تحت فشار می‌گذاشتند. مهم‌ترین مالیات‌هایی که از کشاورزان و روستاییان اخذ می‌شد، مالیات‌های «قبچور» و «خراج» بود که در طول سال، بیست تا سی بار از رعایا گرفته می‌شد (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۲۴-۱۰۲۸). با اصلاحات مالیاتی غازان، در وصول این مالیات‌ها و مهلت پرداخت آن‌ها اصلاحاتی صورت گرفت. طی فرمان ایلخان مقرر شد که قبچور روستاییان و رعایای دهنشین در دو نوبت: یکی در نوروز (بهار) و دیگری در ماه میزان (پاییز) و قبچور رعایای صحرائشین در یک نوبت آن‌هم در اول سال گرفته شود و «خراج» نیز فقط یک نوبت (در اول سال) پرداخت شود (همان، ۱۰۴۰-۱۰۴۱؛ اشپولر، ۱۳۸۰: ۳۱۵). او برای تثبیت زمان اخذ مالیات و ممانعت از اجحاف به کشاورزان، دستور ایجاد سیستم گاه‌شماری جدیدی داد که مبنای خورشیدی داشت و به تقویم خانی شهرت یافت (بیرشک، ۱۳۶۷: ۲۰۱).

غازان مالیات قبچور برخی نواحی همچون منطقه عراق عجم را لغو کرد و به‌جای آن مالیات تمغا را برقرار کرد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۰۳-۶۰۴؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۲/۷۴۵). در بسیاری از موارد برای پرداخت خراج، با حذف بدعت‌های عهد مغول، رسوم و سنن کهن نواحی مختلف قلمرو را احیا کرد (رشیدالدین، ۱۳۶۴: ۳۳-۳۴ و ۱۲۲-۱۲۳؛ ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). همچنین، وی جمع‌آوری مالیات به صورت «حرز» و «مقاسمه» (یعنی پرداخت سهم معینی از محصول به‌عنوان مالیات) را لغو کرد (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۳۵-۱۰۴۳). علاوه بر این، کارگزاران حکومتی را به‌طور کامل از تعرض به مردم و اموال آن‌ها منع کرد (همان، ۱۰۴۴-۱۰۵۰). جدیت او در این زمینه چنان بود که:

اگر العیاذ بالله اسبی از آن امیر تومان در زرعی شدی و یک نیمه داخل زرع و یک نیمه خارج بودی، به حکم یاسای او آن یک نیمه که داخل بودی به صاحب ملک دادندی و خود که را در ایام دولت او یارای آن بودی که نام «ظ» ظلم و «ت» تعدی بپردی؟ (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۶۸).

قوانین اصلاحی او در این زمینه چنان نتیجه داد که «جمله امرا و ارکان دولت که هریکی خود را در اعلی مرتبه و رفیع تر درجه‌ای دانستندی در زمان او چون قنافظ سر تسلط در جیب مطاوعت کشیدند» (همان‌جا).

۴-۱-۴. اصلاح قوانین مالکیت

پیش‌تر گفته شد که در اوایل عهد ایلخانان، بخش وسیعی از اراضی کشاورزی به صورت بایر درآمده بود؛ چنان که در قلمرو ایلخانی «ممالک از ده یکی آبادان نبوده و باقی تمامت خراب» بودند (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳/۲-۱۱۰۴). غازان خان اراضی دیوانی و سلطنتی بایر را به چند دسته تقسیم کرد و هریک را تحت شرایط خاصی به کسانی سپرد که قادر به احیا و آبادانی آن بودند (همان، ۱۱۰۵-۱۱۰۷؛ اقبال، ۱۳۶۵: ۲۹۶؛ اشپولر، ۱۳۷۲: ۳۱۹؛ لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۹۵). عموماً مهم‌ترین امتیازی که به این افراد داده شد، بخشودگی مالیاتی بود که در رغبت و پیوند کشاورزان با زراعت و احیای اراضی کشاورزی نقش چشم‌گیری داشت. او نخست طی یرلیغی به تاریخ شعبان سال ۷۰۰ق، به این مضمون «کی ملک که مدت سی سال در تصرف کسی بوده باشد بر همان قرار مقرر دارند»، مالکیت زمین‌های زراعی را به کسانی واگذار کرد که خود یا رعیتشان سی سال در آن‌ها زراعت می‌کردند (Herrmann, 2004: 68-69). علاوه بر این، برای آبادکنندگان این اراضی، تسهیلات دیگری نیز در نظر گرفته شد؛ از جمله اینکه هر کس املاکی را که آباد کرده بود، در تملک وی و فرزندانش قرار می‌گرفت و حق انتقال و خرید و فروش آن را داشت. غازان سپس برای اداره این اراضی و تمرکز امور مربوط به آن‌ها، «دیوان خالصات» را ایجاد کرد و اراضی مذکور را تحت نظارت آن درآورد تا با رسیدگی به امور این اراضی، از هرگونه تخلفی در زمینه ضبط و واگذاری این اراضی جلوگیری شود (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۲).

۱۱۰۷-۱۱۰۸؛ لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۷۴-۱۸۳). در مورد اراضی موات و بایری که در یورت مغولان واقع شده بود نیز مقرر شد مغولان توسط اسیران و بندگان خود به آبادانی آن‌ها پردازند.

۴-۲. اقدامات تشویقی و حمایتی

بخش دیگری از اصلاحات غازانی در کشاورزی جنبه حمایتی داشت. او در طول حکومت کوتاهمدت خود، با اقدامات تشویقی همچون دادن بذر به کشاورزان، ایجاد کاریزها و قنوات و حمایت و نظارت بر سیستم آبیاری کوشید تا حمایتی همه‌جانبه از کشاورزان به عمل آورد. با اقدامات حمایتی وی در اندک زمانی، اشتغال به کشاورزی رونق گرفت. از این‌گونه حمایت‌ها در زمان الحاقیو اطلاعات کافی نداریم و ممکن است که تصور شود با مرگ غازان این حمایت‌ها قطع شده باشد؛ اما با توجه به اینکه سیستم آبیاری بین‌النهرین در فاصله سال‌های ۶۹۸ تا ۷۲۰ق به درستی کار کرده و از جریان سیلاب در اراضی ممانعت به عمل آمده بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۴۶)، می‌توان استنباط کرد که با حضور خواجه رشیدالدین در مسند وزارت، این اقدامات تداوم یافت و فقط بعد از مرگ رشیدالدین در ۷۱۸ق این حمایت‌ها قطع، و بلافاصله نتیجه‌اش آشکار شد (همان، ۲۴۶).

۴-۲-۱. قرار دادن بذر و دام در اختیار کشاورزان

به گفته رشیدالدین، تا قبل از حاکمیت غازان، بیشتر ولایات خراب و رعایا بذر و دام مورد نیاز برای زراعت را در اختیار نداشتند و هنگام گرانی غله، حتی بذر اندکی را نیز که دیوان به آن‌ها می‌داد، به جای کاشت مصرف می‌کردند. این وضعیت هم زیان دیوان و هم زیان کشاورزان را در پی داشت. غازان برای حل این مشکل دستور داد که مبلغی از عواید مالیاتی هر ولایت را برای تأمین هزینه بذر و سایر مایحتاج زراعت اختصاص دهند تا ولایات زراعت و آبادانی خود را از سر بگیرند. همچنین مقرر کرد در ولایاتی که متصرفان آن‌ها با حيله بذرهای کشاورزی را تلف کرده بودند، بذر در اختیار کشاورزان قرار گیرد (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۱۰۱-۱۱۰۲). به این ترتیب، املاک دیوانی که تا قبل از این

به علت نداشتن بذر و دام کشت نمی شدند، مجدد عمارت و زراعت خود را از سر گرفتند و به مرور زمان، ارزانی و آبادانی پدید آمد.

غازان به پرورش دواب و طیور نیز توجه کرد و دستور داد که دیوان چارپایان و پرندگان را به قرار معین به کسانی بسپارد که مایل به پرورش آنها باشند. همچنین، حکم شد که بعد از این هیچ کس به چارپایان و پرندگان روستاییان و رعایا دست اندازی نکند. قوشچیان نیز از شکار این پرندگان و حیوانات ممنوع شدند. با صدور این فرمان، دامها و پرندگان روستاییان و رعایا از تعدی و تصرف عمال حکومتی رهایی یافتند (همان، ۱۱۰۲-۱۱۰۳؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳/ ۱۸۱-۱۸۲).

۴-۲-۲. احیای شبکه های آب یاری

در ایران قبل از هجوم مغولان، کشاورزی برپایه آب یاری مصنوعی (رود، جوی، نهر، جویبارهای کوهستانی، چاه، کاریز و قنات) بود. ایلغار مغولان از طریق ویرانی کشور، کاهش جمعیت و به دنبال آن عدم تکاپوی کارگر، به این سیستم آب یاری آسیب فراوانی وارد کرد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/ ۱۰۷-۱۱۴، ۱۱۷ و ۱۱۹؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱/ ۷۲). بنابراین، غازان اقدامات وسیعی را برای احیای شبکه های آب یاری انجام داد و نهرها و کاریزهای متعددی را جاری گردانید. از جمله این نهرها دو نهر بزرگ در منطقه بین النهرین معروف به نهر غازانی اعلی و سفلی بود که آب را از رود فرات به منطقه کربلا می برد. ایجاد این نهرها آبادانی منطقه کربلا را در پی داشت و باعث شد تا تمام حوالی این منطقه، آباد و مزروع شود و باغ و بوستان های فراوانی در اطراف آن پدید آید (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/ ۹۹۳-۹۹۴). رشیدالدین نیز به احیای شبکه های آب یاری توجه ویژه ای داشت و به کارگزاران خود دستور می داد که به ساخت نهرها، ایجاد کاریزها و قنات، ایجاد روستاها و اسکان کشاورزان در آنها اقدام کنند (رشیدالدین، ۱۳۶۴: ۱۵۷-۱۵۸، ۲۴۴-۲۴۵ و ۲۴۶-۲۴۷). علاوه بر این، برخی دیگر از کارگزاران و ارکان حکومتی ایلخانی نیز هریک به سهم خود در انجام چنین اقداماتی پیش قدم بودند (یزدی، ۱۳۴۰: ۸۱-۸۳، ۹۹-۱۰۰؛ جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۱۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۸).

۴-۲-۳. بازگرداندن کشاورزان مهاجر

چنان که گفته شد، پیش از غازان، عده زیادی از کشاورزان و روستاییان جلای وطن کرده و به اطراف و اکناف متواری شده بودند. با توجه به آنکه مهم ترین عامل لازم برای کشاورزی نیروی انسانی مجرب بود، برای غازان خان در این اوضاع و احوال، اسکان مجدد روستاییان در دهات و بازگرداندن زارعان فراری به ولایتشان برای احیای کشاورزی، امری لازم بود (رجب زاده، ۲۳۵۳: ۱۳۷)؛ بنابراین فرمان داد که هیچ کس اعم از مغول و تازی که حق ندارد رعایا و کشاورزان اراضی دیگر را به ملک خویش راه دهد و صاحبان املاک موظف بودند رعایا و روستاییان فراری را به ولایت و اراضی خویش بازگردانند (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۱۰۷-۱۱۰۸).

۴-۲-۴. آموزش کشاورزی

رکن دیگر اصلاحات غازان، تلاش برای آموزش فنون و مهارت های صحیح کشاورزی بود که طبیعتاً توسط خواجه رشیدالدین و دیگر علمای دربار صورت گرفت. در این روند، خواجه رشید از طریق سیاحان، سفیران و بازرگانان نواحی مختلف به شناسایی انواع مختلف گونه های گیاهی در سراسر آسیا پرداخت و با نگارش کتاب *الاحیاء والآثار*، به بررسی و آموزش شیوه های مختلف کشاورزی، اعم از نحوه پیوند زدن، کاشت، فواید کود دادن و چگونگی آن، آمایش زمین کشاورزی و نحوه شخم زدن و معرفی گونه های جدید گیاهی پرداخت (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۶۲-۷۵). طی این روند، مؤلف با اشاره به بایر بودن زمین های زراعی، ضمن معرفی تجربیات موفق کشاورزان برخی مناطق همچون یزد و اصفهان، روش های جدید (همچون شیوه کبس) کشاورزی را معرفی کرد و از آن ها خواست که از آن ها استفاده کنند تا اراضی بایر زیر کشت بروند (همان، ۸۰). همچنین، با اشاره به شیوه درست نگاه داری بذر در انبار سعی کرد بحران کمبود بذر نزد کشاورزان را به حداقل برساند (رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۱۶۳-۱۶۴؛ علم فلاح، ۱۳۲۳: ۸۲). در جایی دیگر، ضمن انتقاد از شخم زنی با بیل در اصفهان، فواید شخم زنی با استفاده از گاو آهن را ذکر می کند تا از این پس کشاورزان را بدان مسیر سوق دهد (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۸۴). از آنجا

که یکی از مشکلات اصلی کشاورزان در استفاده از این روش، تهیه و نگاهداری گاو بود، به آن‌ها پیش‌نهاد می‌دهد که برای این امر چند نفر با هم شریک شوند (همان، ۸۳). همچنین، ضمن تأکید بر ضرورت پرورش برخی گونه‌های گیاهی نامعمول در قلمرو ایلخانی (به‌ویژه آذربایجان و نواحی پیرامون پایتخت ایلخانی)، کشاورزان را به سوی انجام چنین تجربه‌ها و کارهایی تشویق می‌کند (همان، ۱۱۰، ۱۱۳ و ۹۲؛ رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۱۵).

۵. جانشینان غازان و اصلاحات

با توجه به آنکه تاریخ صدور برخی فرمان‌های اصلاح‌گرانه غازان خان به رجب سال ۷۰۳ (یعنی فقط سه ماه قبل از مرگش) برمی‌گردد (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۴۳)، می‌توان استنباط کرد که او در همه مدت حکومت خود، حتی تا آخرین روزهای حیات، درگیر اصلاحات بوده است. این امر نشان می‌دهد هنوز فرصت کافی برای نهادینه شدن قوانین موضوعه وی نبوده و خود غازان هم از موقتی بودن اصلاحاتش به شدت بیم داشته و در بخشی از فرمان خود به این قضیه اشاره کرده و برای مقابله با آن تمهیداتی اندیشیده است (همان، ۱۰۳۹). غازان در بستر مرگ، با نگرانی از توقف اصلاحات، اعیان و امرا را به تداوم اصلاحات سفارش کرد (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۵۷-۴۵۸؛ کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۴).

از برخی اسناد موجود در بقعه شیخ صفی برمی‌آید که بلافاصله پس از مرگ غازان خان، تخطی از دستورات وی آغاز شد و تعرض صاحب‌نفوذان دربار الخانی به املاک زراعی برخی کشاورزان از سر گرفته شد؛ چنان‌که برادر و جانشین وی، سلطان الجایتو، (حکومت ۷۰۳-۷۱۶ق) در ذی الحجه ۷۰۴ با صدور یرلیغی خطاب به «باسقاقان، ملوک، نواب، متصرفان، بیتکچیان و عمال دارالملک تبریز و اردبیل» که به بهانه مطالبات دیوانی، مالکان و زارعان را تحت فشار گذاشته بودند، تذکر داد تا «بعد الیوم به هیچ نوع تعلق نسازند و تعرض نرسانند و مزاحم نشوند» (Hermann, 2004: 73-74). احساس آزادی بعد از مرگ غازان تا آن حد بود که حتی گروهی دیگر از مالکان و کشاورزان املاک وقفی را در اختیار گرفتند و حقوق اوقافی را نمی‌پرداختند و الجایتو ناچار با یرلیغی دیگر در ذی‌القعدة ۷۰۴ آن‌ها را از این امر نهی کرد و خاطیان را به قاضی سپرد

(Hermann, 2004: 73-74 & 85-87). الجایتو نیز دوست‌دار آبادانی و رونق زراعت بود (کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵)؛ بنابراین ضمن آنکه در آغاز حکومت، تداوم اصلاحات غازانی را سرلوحه کارهای خود اعلام کرد (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۴۹)، در عمل نیز به تداوم اصلاحات وفادار ماند. او که با ساختن چندین شهر در آبادانی کشور کوشا بود، از حمایت کشاورزان نیز غافل نبود (کاشانی، ۱۳۸۴: ۴۸، ۸۲، ۱۳۳، ۱۵۲ و ۲۲۵؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۰۶).

رشیدالدین، وزیر غازان‌خان و الجایتو،^۱ نیز علاوه بر آنکه در سال ۷۱۰ق با تأسیس ربع رشیدی، حفر نهر و تأمین آب، به ایجاد باغات و مزارع در اطراف آن پرداخت (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶)، کارگزارانش در نواحی مختلف را نیز به تلاش در جهت توسعه و پیشرفت کشاورزی و توجه به امور روستاییان و کشاورزان تشویق کرد (رشیدالدین، ۱۳۶۴: ۱۲-۱۳، ۱۵۷-۱۵۸ و ۱۷۵-۱۸۳). در زمان ایلخان ابوسعید، قتل خواجه رشید در ۷۱۸ق (ر.ک: سمرقندی، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴) تداوم اصلاحات را با مشکل روبه‌رو کرد؛ چنان‌که بلافاصله درازدستی کارگزاران حکومتی به کشاورزان آغاز شد (وصاف، ۱۳۳۸: ۶۳۰-۶۳۴). ابوسعید تا پایان حکومت خود مجبور بود تا هرازگاهی با صدور فرمان و ابلاغیه‌های متوالی و مداوم، این کارگزاران را از تعرض به املاک زراعی منع کند (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۳: ۱۱۳؛ Hermann, 2004: 90-92, 97-98, 102-103 & 107-108)؛ ولی هیچ‌گاه این امر مهار نشد و حتی در آخرین ماه‌های حکومتی وی، قدرت به‌دست برخی رؤسای مغولی افتاده بود که گویا خود را فراتر از قانون دانسته، به‌موجب فرمان این رؤسا، درمقابل امور مالی و دیوانی حکومت ایستادگی می‌کردند؛ چنان‌که سلطان طلی یرلیغی به تاریخ ۲۰ رجب ۷۳۴ (بیست ماه قبل از مرگ) به آن‌ها هشدار داد (Herrmann, 2004: 111-112). همچنین، عدم مراقبت از بندهای دجله، طغیان آن و سیلابی عظیم در ۷۲۰ق را در پی داشت که در نتیجه آن، «بغداد زیر آب رفت و بسیاری از جاها ویران شد» (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۴۶). فتنه نازخاتونی نیز در سال ۷۲۳-۷۲۴ق در عراق عجم چنان نتایج زیان‌باری به‌بار آورد که مورخان آن را با حمله غزها به خراسان در قرن ششم مقایسه کرده‌اند (سمرقندی، ۱۳۷۲:

۱. نقش خواجه رشید در این اصلاحات آن‌قدر پررنگ است که برخی اصولاً وی را مبتکر و طراح اصلی این اصلاحات می‌دانند (نک: وصاف، ۱۳۳۸: ۴۳۵؛ غفرانی، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۸۷؛ رجب‌زاده، ۲۵۳۵: ۸۵-۱۵۲).

۸۹-۹۰). در نتیجه، «رعایا، ملک و اسبابی که به دو و سه هزار دینار می‌ارزید به دو و سه دینار، اگر خریدار می‌یافتند، می‌فروختند» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۸/۴۳۵۹).

ظاهراً با انتصاب غیاث‌الدین محمد به وزارت در اواخر ۷۲۷ق، این روال منقطع و با تشویق اهالی خراسان به آبادانی و ازسرگیری زراعت، روند اصلاحات احیا شد (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۰۱ و ۱۲۴) و از همراهی دیگر کارگزاران دیوانی برخوردار شد (مستوفی باقی، ۱۳۸۵: ۳/۵۵۸ و ۵۵۶-۵۵۹)؛ اما کشاکش و رقابت امیران مغولی بعد از مرگ ابوسعید در ۷۳۶ق چنان اوضاع را آشفته کرد که از آن باعنوان «فترت» یا «فترات» یاد کرده‌اند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۷). در این فترات که متشکل از نبردهای متوالی میان امیران مغول است، آسیب‌های فراوان به نظام اقتصادی و به‌ویژه کشاورزی وارد آمد که بخشی از آن را حافظ ابرو با تعبیری همچون «قتل و غارت عام کردند و فروج و دماء و اموال مسلمانان بر خود مباح و حلال شمردند» (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۲۰۰) منعکس می‌کند. در این میان، کارگزاران حکومتی و درباریان روش «بطلان ادارات و وظایف اهل استحقاق و مصادرات بر عمال و رعایای بیچاره به جان رسیده» درپیش گرفتند و دست تعرض به املاک موروثی دیگر صاحب‌نفوذان قلمرو ایلخانی دراز کردند (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۲۰۵). این اوضاع آشفته چنان بود که حتی سلطان سلیمان (حکومت ۷۴۱-۷۴۵ق) باآنکه توسط امیر شیخ حسن چوپانی به قدرت رسیده بود (حافظ ابرو، ۱۳۵۱: ۲۰۸)، ناچار شد طی یرلیغی به تاریخ ۱۸ صفر ۷۴۳ «شیخ حسن چوپانی، باساقان، حکام، نواب، متصرفان اردبیل و بکاولان هزاره بکلانشاه (؟)» را مورد خطاب قرار دهد: «وجه اقطاع خود [...] زیادت از مبلغ سی دینار کی مقرر بوده و احکام بدان ناطق، نطلبند و اگر چیزی زیادت از آن گرفته باشند بازگردانند» (Herrmann, 2004: 111-119). وی یرلیغ دیگری به تاریخ ۲۵ شعبان ۷۴۳ برای منع کارگزاران دولتی از تعرض به املاک زراعی صادر کرد و در آن ضمن محترم دانستن یرلیغ ایلخانان سلف، همه را به رعایت آن یرلیغ‌ها سفارش کرد: «باید هیچ آفریده از نوکران و لشکریان و متصرفان در [...] تصرف نمایند و قلم و قدم به کلی از آنجا کوتاه دارند» (Ibid, 125-126).

۶. پیامدهای اصلاحات گازانی در امور کشاورزی

طبیعی است که اقدامات اصلاحی گازان بسیار بر اوضاع کشاورزی در قلمرو ایلخانی اثر گذاشته باشد؛ اما برخی محققان تصور می‌کنند این اصلاحات گذرا بوده و با مرگ گازان‌خان به پایان رسیده است (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ اشیولر، ۱۳۷۲: ۳۲۰). آشکار است که اقدامات تشویقی و حمایتی که مستقیماً به اوضاع کشاورزی سامان می‌داد، ناپایدار بوده و بعد از مدتی قطع و ترک شده است؛ ولی ابعاد زیرساختی و بنیادی که فضا را برای فعالیت‌های کشاورزی فراهم می‌کرد، جنبه دائمی‌تر و ثابت‌تر به خود گرفته و جانشینان گازان نیز سعی در تداوم آن داشتند و این امر خود زمینه رونق گرفتن کشاورزی در قلمرو ایلخانی است. اگرچه به سبب رفع حمایت‌های جانبی و تشویقی، عملاً سطح کشاورزی از حد دوران گازان تنزل کرد، در مقایسه با دوران قبل از گازان وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. بنابراین، پیامدهای اصلاحات را در چندین محور باید ارزیابی کرد.

۶-۱. امنیت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین شرایط ضروری جهت بهبود، ترقی، تقویت و رشد کشاورزی، وجود امنیت است. بدین معنی که کشاورز برای آنکه به خوبی و راحتی بتواند در امور کشاورزی فعالیت و سرمایه‌گذاری کند، نیازمند به آن است که در فضایی امن، به این قضیه پردازد تا بتواند در وقت ضرورت، مراقبت‌های ویژه را از کشت خود به عمل آورد. چنانکه گفته شد در عهد ایلخانان نامسلمان، احساس امنیت به طور کامل از میان رفته و اوضاع کشاورزی به شدت از رونق افتاده بود و به گفته خواجه رشید اندک کشاورزی موجود در جامعه ایران در آستانه حاکمیت گازان را «جز بر برکتی که حق تعالی کرامت فرموده و بندگان را از رزق محروم نگردانیده، حمل نمی‌توان کرد» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۱۰۴۷/۲). ولی در نتیجه اصلاحات، فضایی به وجود آمد که کشاورزان در سایه آن می‌توانستند به کار خود ادامه دهند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۶۸). فرامینی که گازان در خصوص شیوه برخورد کارگزاران با مردم وضع و صادر کرد، به عنوان سرمشق و الگوی اداری مغولان در ادامه حکومت ایلخانان در آمد و بعد از وی نیز دو ایلخان بعدی یعنی الجایتو و ابوسعید، سعی کردند که

این فضای امن را نگه دارند. به گونه‌ای که در سایه انضباط اداری مغولان که در این زمان از ترکیب یاسا و قوانین مدنی - اسلامی حاصل شده بود، امنیت اجتماعی جالب توجهی ایجاد شد که برخی از مورخان آن را ستوده‌اند (آملی، ۱۳۱۳: ۱۲۲).

۶-۲. کشت محصولات جدید

یکی دیگر از نتایج اصلاحات غازان، کشت محصولات جدید بود؛ چون ایلخان فرمان داده بود که از سایر ممالک بذر انواع درختان میوه‌دار، ریاحین و حبوبات را به تبریز آورند و نهال و شاخه‌هایشان را پیوند زنند و به پرورش آنها پردازند. وی ایلچسانی نیز به ممالک هند و چین فرستاد تا تخم محصولاتی را که مخصوص این ممالک بود، به تبریز آورند و در آنجا بکارند. رشیدالدین از نتایج مثبت این اقدام غازان در باروری محصولات کشاورزی سخن می‌گوید: «این زمان مجموع آنها در تبریز بادید آمده، روزبه‌روز درمی‌رسد و زیادت از آنکه در شرح گنجد» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۹۹۶). در نتیجه مساعی غازان‌خان و وزیر نام‌دارش خواجه رشید، علاوه بر تشویق کشاورزان به کاشت گونه‌های گیاهی شناخته‌شده، تلاش وسیعی برای آشنا کردن آنها با انواع گیاهی مناطق دیگر از جمله هند، چین و اروپا و ترویج کشت آنها در میان کشاورزان قلمرو ایلخانی آغاز شد که برخی از این تلاش‌ها در کتاب *الاحیاء و الآثار* خواجه رشیدالدین انعکاس یافته است.^۱

ژوبگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. تا آنجا که که دانسته است در میان آثار متعدد خواجه رشیدالدین فضل‌الله کتابی با نام *اخبار و آثار* وجود داشته؛ ولی در متن *وقف‌نامه رشیدی* (۱۳۵۰: ۲۳۷) در فهرست آثار خود به *آثار و احیا* اشاره کرده که به نظر می‌رسد هر دو یکی باشند (*وقف‌نامه رشیدی*، ۱۳۵۰: سی و شش). از طرف دیگر، عبدالغفار نجم‌الدوله اصفهانی در سال ۱۳۲۲ق نسخه کتابی را یافت و در ۱۳۲۳ق به صورت چاپ سنگی منتشر کرد که مؤلف آن را «شخصی آگاه و عالم و سیاحی در عهد غازان‌خان حدود هفتصد هجری» معرفی کرده؛ اما مطالعه متن کتاب نشان می‌دهد که در آن با صفت «انارالله برهانه» از غازان یاد می‌کند (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۶۱) که نشانه آن است در عهد الجایتو نوشته شده و بارها از حاصل تجربیات خود درباره آزمایش کشت گیاهان جدید در تبریز و سلطانیه خبر داده (همان، ۷، ۹، ۱۱، ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۵۹، ۷۳، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۱۳) و در عین حال یک بار از همراه بودن خود در کنار غازان برای کاشت برنج هندی در تبریز خبر داده است (همان، ۸۶) و علاوه بر آن در متن، نام کتاب را *آثار و اخبار* ذکر کرده است (همان، ۷). همچنین، برخی اشارات در *وقف‌نامه* همچون تأکید بر انتقال و کاشت گیاهی که مربوط به منطقه نیست، کاشت نارنج و ترنج در تبریز، نحوه حفظ غلات از آفت (رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۱۵، ۱۶۳-۱۶۴ و ۲۱۳) دیده می‌شود که مشابهت عجیبی با مندرجات علم فلاح دارد. بر این اساس می‌توان آن کتاب را

بر این اساس، خواجه رشید در طول دوران وزارت خود، آزمایش‌هایی موفق برای کاشت انجیر، عناب، ذرت، کتان، نیل، نارنج، ترنج، زیتون، روناس، زعفران، کاهو بغدادی، گل زنبق، درخت چنار و جز آن در هر دو پایتخت ایلخانی یعنی تبریز و سلطانیه انجام داد (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۷، ۲۸، ۳۵، ۳۷، ۴۳، ۴۶، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۰۶ و ۱۱۳؛ رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۲۱۳). همچنین، به دستور غازان، کاشت نوعی برنج هندی در تبریز آغاز شد که آزمایش آن موفق نبود و ثمر نداد (همان، ۸۶). در مکاتبات رشیدی نیز از انواع محصولات کشاورزی اعم از میوه‌ها، سبزیجات و مرکباتی که در این دوره پرورش یافتند، سخن به میان آمده است (رشیدالدین، ۱۳۶۴: ۱۹۸-۲۰۷).

۶-۳. رونق کشاورزی و افزایش قیمت زمین زراعی

در نتیجه اصلاحات، کشاورزان از تعدی محصلان مالیاتی رهایی یافتند. کشاورزان فراری به اراضی خویش بازگشتند و با آسودگی خاطر بیشتری به کار زراعت مشغول شدند و اراضی بایر را احیا کردند (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۳۳). شاید راز موفقیت اصلاحات این باشد که «در عهد مبارک او به واسطه عدل شاملش هزاران هزار آدمی به مشارکت ایشان به عمارت مشغول‌اند و آنچه جهت خود می‌کنند، صد چندان باشد» (همان، ۹۹۴). این بدان معناست که او با ایجاد همسانی مذهبی میان مغولان و مردم، زمینه‌ای فراهم آورد که تلاش برای ترمیم ویرانی‌ها به یک خواسته عمومی (نه فقط خواسته ایلخان) مبدل شود و طبیعی است که هر کس برای خود بیشتر تلاش می‌کند تا برای حاکم. پس از چنین روندی، آبادانی به حدی رسید که «هر خانه و باغ که پیش ازین به صد دینار بود این زمان به هزار دینار» رسید (همان، ۹۹۵ و ۱۰۳۳). این آمار حتی اگر مبالغه هم باشد، گویای رونق کشاورزی و افزایش قیمت زمین زراعی در کشور است.

علاقه‌مندی به امور زراعی و استقبال از روش‌های مناسب کشاورزی به آن حد رسید که در روستاهای یزد و اصفهان تولید و فروش کودهای دامی و حیوانی رونق گرفته و به

مشغله اقتصادی تبدیل شده بود (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۷۵-۷۶). بنابراین، فضای موجود به احداث قنوات و چاه‌های متعدد و متعاقب آن ایجاد مزارع جدید کمک کرد که با داوری براساس اسامی قنات‌ها و مزارعی که در جامع‌الخیرات (یزدی، ۱۳۴۰: ۸۱-۸۳، ۸۶-۸۹ و ۹۹-۱۰۰) و همچنین وقف‌نامه ربع رشیدی (رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۴۴-۱۱۶ و ۲۰۴-۲۱۵) می‌توان به گستردگی و تعدد این قنات‌ها و مزارع در اطراف یزد، تبریز، اصفهان و تاحدودی شیراز، کازرون و قم در زمان حکومت الجایتو و ابوسعید پی برد و بر آن قیاس تصور کرد که در نقاط دیگر هم این روند مزرعه‌سازی وجود داشته است.

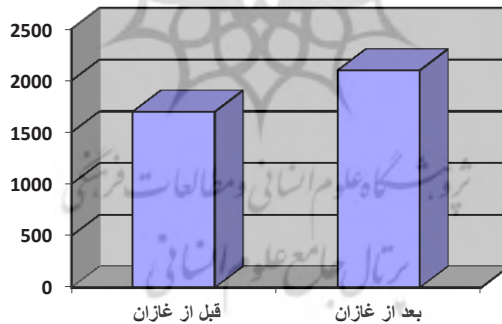
۶-۴. افزایش محصولات

با توجه به آنکه بهبود کشاورزی به خواسته عمومی مردم مبدل شده و رغبت عمومی به خرید زمین‌های زراعی فزونی گرفته بود، طبیعی است که میزان محصولات کشاورزی در قلمرو ایلخانی نیز افزایش داشته باشد. به گفته رشیدالدین: «این زمان در تمامت ممالک به عمارت آن مشغول‌اند و روزبه‌روز در زیادت است و بعضی مردم بدان مستظهر و دیوان خالصات عظیم با رونق و هر سال محصول آن زیادت می‌شود» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۱۰۸). واگذاری اراضی اقطاعی اگرچه در ابتدا به سبب نیاز لشکریان و در پی ضرورت‌های نظامی انجام گرفت، توسعه و پیشرفت کشاورزی را نیز در پی داشت (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۹۴). بنابراین، با تدابیر ایلخانان، تمام ممالک به عمارت و آبادانی مشغول شد و مقدار محصول افزایش یافت.

از مقدار افزایش محصولات اطلاعی در دست نیست؛ اما همین قدر می‌دانیم که در اواخر عهد الجایتو، برخی مناطق ایران محصولات کشاورزی خود را به دیگر نقاط صادر می‌کردند؛ چنان‌که از اصفهان و ابهر عرق بیدمشک و از فارس گلاب به خارج از کشور صادر می‌شد (علم فلاح، ۱۳۲۳: ۴۰-۴۱). این توفیق حتی برای محصولاتی که کشت آن‌ها تازه آغاز شده بود، نیز به چشم می‌خورد. با اینکه نیل همیشه از هند وارد می‌شد، با ترویج کشت نیل در تبریز، چنان شد که در اواخر عهد الجایتو، ایران از وارد کردن نیل از

هندوستان بی‌نیاز شده بود (همان، ۹۳). همچنین، پرورش روناس در تبریز به جایی رسید که مازاد آن به هندوستان صادر می‌شد (همان، ۹۴).

از میزان محصولات به‌دست‌آمده در این دوره داده‌های آماری کافی نداریم، فقط حمدالله مستوفی در شرح مالیات قلمرو ایلخانی، مالیات آن را در آستانه حاکمیت غازان ۱۷۰۰ تومان می‌داند که بعد از اصلاحات غازان به بیش از ۲۱۰۰ تومان تومان رسیده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۷). این آمار افزایش ۲۳/۵ درصدی را نشان می‌دهد که گویای تأثیر عمیق اصلاحات غازان بر میزان محصولات کشاورزی در طول مدت کوتاه حکومت وی است. اگرچه حمدالله مستوفی در ادامه اشاره می‌کند که ناامنی‌های اواخر عهد ایلخانان باعث کاهش مجدد مقدار محصول شده، آماری که عبدالله مازندرانی (۱۳۳۱: ۱۵۳-۱۶۳) درباره میزان مالیات سال ۷۵۰ق ارائه کرده، میزان مالیات را ۲۱۶۷ تومان نشان می‌دهد که با عهد غازان تقریباً برابر می‌نماید. البته، تداوم استفاده از تقویم خانی تا حدود یک و نیم قرن بعد نشان از پای‌داری نسبی اقدامات غازان دارد (ابن‌شهاب، ۱۹۸۷: ۴۵-۴۶ و ۵۷).



از نوع محصولات کشاورزی این دوره نیز اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با داوری بر مبنای گفته‌های رشیدالدین می‌توان استنباط کرد که همه محصولات سنتی و معمول هر منطقه و همچنین محصولات جدیدی که توسط دربار به ایران آورده شده بودند، پرورش می‌یافتند؛ ولی در این میان برخی مناطق به پرورش برخی محصولات شهرت بیشتری داشتند؛ چنان‌که پرورش برنج در گیلان، مازندران و استرآباد، انگور در بسیاری از مناطق

عراق عجم و آذربایجان، پیاز در طارم، ذرت در اصفهان و کاشان، پسته در اطراف سمنان، بنفشه در شوشتر و گیلان، زیره در کرمان، زعفران در قهستان، قم، همدان و نهاوند، روناس در نایین و یزد، پیاز در طارم، بزرکتان در بغداد و حله، مرکبات در بغداد، شوشتر، شبانکاره و مازندران، جو بی پوست در قم و شروان، نخود در قزوین، توت در یزد و اصفهان، عناب در گرگان، زرشک در کاشان، نیشکر در شوشتر، بغداد و مازندران، درخت هندی در مازندران، و سیب در اصفهان شهرت خاصی دارند (علم فلاحه، ۱۳۲۳: ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۳-۲۴، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۲ و ۱۰۵-۱۱۰).

۵-۶. آبادانی خزانه

خزانه ایلخانی بیش از هر چیز بر مالیات متکی بود و در آن زمان با توجه به غلبه زندگی کشاورزی، این مالیات و درآمد حکومت عموماً مبتنی بر خراج اراضی زراعی بود که از کشاورزان اخذ می شد؛ بنابراین پیش از عهد غازان که کشاورزی رونقی نداشت، میزان خزانه و درآمد نقدی ایلخانان نیز اندک بود و چنان که گفته شد، غازان در اوایل سلطنت خود با خزانه کاملاً خالی روبه رو شده بود (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/ ۹۷۸-۹۷۹؛ و صاف، ۱۳۳۸: ۳۲۶)؛ ولی در سایه اصلاحات انجام شده و در پی آن، رونق کشاورزی و ازدیاد محصولات، خزانه وی دوباره مملو از نقدینه شد که به گفته رشیدالدین: «چنان که آب از چشمه جاری باشد، از خزانه پادشاه اسلام زر و جامه روان است و هرگز در هیچ عهدی کسی از پادشاهان متقدم این مقدار زر نقد و جامه که او بخشش فرمود و می فرماید، نداده باشد» (رشیدالدین، ۱۳۶۷: ۲/ ۹۸۳).

۷. نتیجه

از پیامدهای منفی ایلغار مغول به ایران، انحطاط کشاورزی بود؛ چنان که میزان کشاورزی در مقایسه با دوره قبل از حمله مغول بین ۸۰ تا ۹۱ درصد کاهش پیدا کرد. هنگامی که غازان خان بر تخت ایلخانی نشست، اقدامات و اصلاحاتی وسیع و پردامنه را برای احیای وضعیت کشاورزی و بهبود اوضاع کشاورزان و روستاییان انجام داد. غازان نخست به رفع اختلافات فرهنگی و معیشتی میان مغولان و ایرانیان پرداخت و با پذیرش اسلام، اعطای

مالکیت اراضی بایر به مغولان و واگذاری اراضی زراعی به عنوان اقطاع به لشکریان، زمینه یک‌جانشینی مغولان را فراهم کرد. سپس با اصلاحات مالی و اداری از سنگینی بار مالیات‌ها کاست و کارگزاران حکومتی را از تعرض به مردم بازداشت. او همچنین با اقدامات حمایتی و تشویقی نظیر حفر کانال، قنوات و دادن بذر و دام به کشاورزان، زمینه احیا و آبادانی اراضی کشاورزی را فراهم آورد. اگرچه تا زمان قتل خواجه رشیدالدین در ۷۱۸ق، کمابیش این اصلاحات ادامه یافت، بعد از او، این روند منقطع شد و دوباره برخی عوامل مخرب بر کشاورزی و اقتصاد ایلخانی چیرگی یافت. با این حال، اصلاحات غازان و وزیرش، رشیدالدین، تغییر مثبتی در کشاورزی ایجاد کرد و موجب بهبود وضعیت کشاورزان و رونق نسبی کشاورزی در این دوره شد؛ چنان‌که از نتایج مستقیم اصلاحات غازانی می‌توان به ایجاد و تداوم امنیت، رواج کشت محصولات جدید، رونق کشاورزی و افزایش قیمت زمین‌های زراعی، افزایش محصولات کشاورزی و آبادانی خزانه اشاره کرد. از رشد ۲۳/۵ درصدی مالیات در پایان عهد ایلخانی می‌توان میزان رونق کشاورزی بعد از غازان خان را استنباط کرد.

منابع

- آملی، اولیاءالله (۱۳۱۳). *تاریخ رویان*. تصحیح عباس خلیلی. تهران: اقبال.
- ابن شهاب، تاج‌الدین حسن (۱۹۸۷). *جامع التواریخ حسنی*. به کوشش حسین مدرسی طباطبایی و ایرج افشار. کراچی: مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی.
- ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۱). *الحوادث الجاهله*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الیهرات*. تصحیح و تحشیه محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۴). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. چ ۷. تهران: علمی و فرهنگی.

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵). **تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری**. ج ۶. تهران: امیر کبیر.
- اللهیاری، فریدون (۱۳۸۳). «تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غازی در روند بازسازی مراکز شهری ایران (۶۹۴-۷۰۳)». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**. ۲۵. ش ۳۶ و ۳۷. صص ۳۷-۵۲.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۶۶). **تورکستان نامه**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: آگاه.
- باوزانی، الساندرو (۱۳۵۹). **ایرانیان (تاریخ ایران با تکیه بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی)**. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: روزبهان.
- بناکتی، داودبن محمد (۱۳۷۸). **روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب**. به کوشش جعفر شعار. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بهرامی، تقی (۱۳۳۰). **تاریخ کشاورزی ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
- بیرشک، احمد (۱۳۶۷). **گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله**. تهران: علمی و فرهنگی.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۷۱). «اوضاع اجتماعی ایران در عصر مغول» در **تاریخ ایران کمبریج**. ج ۵. گردآوری جی. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۵۷). **کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: نیل.
- تسف، ولادیمیر (۱۳۴۵). **نظام اجتماعی مغول**. ترجمه شیرین بیانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۹). **تاریخ یزد**. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۷۵). **تاریخ جهانگشای**. تصحیح محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (۱۳۵۰). **ذیل جامع التواریخ رشیدی**. تصحیح خانبابا بیانی. تهران: انجمن آثار ملی.

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۳۳). *حبیب‌السیر*. به مقدمه جلال‌الدین همایی. تهران: خیام.
- رجب‌زاده، هاشم (۲۵۳۵). *آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: توس.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۶۷). *جامع‌التواریخ*. به کوشش بهمن کریمی. تهران: اقبال.
- _____ (۱۳۶۴ق/ ۱۹۴۰م). *مکاتبات رشیدی*. تصحیح محمد شفیع. لاهور: کلیه پنجاب.
- _____ (۱۳۵۰). *وقف‌نامه ربع رشیدی*. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- رشیدو، پی‌نن (۱۳۶۸). *سقوط بغداد و حکم‌روایی مغولان در عراق*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۷۲). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیفی‌هروی، سیف‌بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ‌نامه هرات*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی (۱۳۶۳). *مجمع‌الانساب*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۸۳). «بررسی یک پاره سند ایلخانی». *نامه بهارستان*. س ۵. ش ۱ و ۲. دفتر ۹ و ۱۰. صص ۱۱۱-۱۱۸.
- علم‌فلاحت (۱۳۲۳ق). به کوشش عبدالغفار نجم‌الدوله اصفهانی. تهران (چاپ سنگی).
- غفرانی، علی (۱۳۸۵). «رشیدالدین فضل‌الله و اندیشه آبادگری در قلمرو ایلخانان». *مطالعات اسلامی*. ش ۷۱. صص ۱۶۷-۱۹۰.

- قطبی اهری، ابوبکر (۱۳۷۳ق). **تاریخ شیخ اویس**. به سعی و اهتمام ین فن لون. لاهه، اکسلسیور.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین (۱۳۸۶). **تاریخ جدید یزد**. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). **تاریخ الجایتو**. به اهتمام مهین همبلی. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، ان. کی. اس (۱۳۷۲). **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۷۷). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- مازندرانی، عبدالله بن محمدبن کیا (۱۳۳۱ق/ ۱۹۵۲م). **رساله فلیکه**. تصحیح والتر هیتس. ویسبادن: چاپخانه فرانتس اشتاینر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۲). **نزه القلوب**. تصحیح گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۸۵). **جامع مفیدی**. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- میرخواند، محمدبن خاوند شاه (۱۳۸۰). **روضه الصفا**. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۹۶۴). **دستورالکاتب فی تعیین المراتب**. تصحیح عبدالکریم علیزاده. مسکو: انتشارات دانش.
- نظنزی، معین الدین (۱۳۸۳). **منتخب التواریخ**. به اهتمام پروین استخری. تهران: اساطیر.
- وصاف الحضره، فضل الله بن عبدالله (۱۳۳۸). **تاریخ وصاف الحضره**. به اهتمام محمدمهدی اصفهانی. تهران: کتابخانه ابن سینا و جعفری تبریزی.

- هرمان، گوتفريد (۱۳۷۹). «فرمان سلطان حسين جلايىرى». ترجمه على. **وقف ميراث جاويدان**. س ۸. ش ۲۹. صص ۱۱۵-۱۲۲.
- هروى، قاسم بن يوسف (۱۳۴۶). **ارشاد الزراعه**. تصحيح محمد مشيرى. تهران: دانشگاه تهران.
- يزدى، سيدركن الدين و شمس الدين (۱۳۴۰). «جامع الخيرات (وقف نامه سيد ركن الدين)» در **فرهنگ ايران زمين**. به كوشش محمد تقى دانش پژوه و ايرج افشار. س ۱۳. ش ۹. صص ۶۸-۲۷۷.
- Herrmann, Gottfried (2004). *Persische Urkunden der mongolen zeit*. Text-und Bildit, Wiesbaden: Harrasowitz verelag.

